

نویسنده : دوگ باندو (Doug Bandow).
منبع و تاریخ نشر : انتی وار « 2021-04-01 ».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

«بایدن» نقشه ای دارد که جاده قطار افغانستان را تخریب کند

Biden Plans Afghanistan Train Wreck

در اول ماه «مه» ممکن است که ایالات متحده با جنگ کاملاً جدید
روبرو شود

On May 1, U.S. may face an “entirely new war.”



عکاسی توسط (Ben Mitchell/Shutterstock)

جنگ به ظاهر ابدی در افغانستان ادامه دارد؛ نیروهای آمریکایی نزدیک به «20» سال است که در باشگاه ها ویا در بارک های خود واقع در افغانستان مستقر اند یعنی مدت زمان بیشتر که قوت های نظامی آمریکا هرگز اینقدر مدت طولانی در جنگ مکزیک آمریکا؛ جنگ داخلی؛ جنگ امریکا اسپانیا؛ در جنگ جهانی اول و دوم و در جنگ کره با این تنا سب زمان درگیر نبوده در جنگ افغانستان که در آن در حدود (2) تریلیون دلار مصرف شد و بیش از (6000) عضو پیمانکار (قراردادیان جنگی در خدمت آمریکا) بخاطر تا مین منافع آمریکا مصرف در این جنگ بوده و افزون بر آن در حدود (1100) سرباز آمریکایی زندگی خود را از دست دادند و تعداد زیادی دیگر از سربازان آمریکایی در طول این جنگ نا تمام مجروح و معلول گردیدند یعنی که ارتش امریکا در افغانستان متحمل خسارات بیشتر شد و کنون در صورت عدم خروج ویا عقب نشینی نیروهای ایالات

متحدہ از افغانستان میتوان پیشگوی کرد کہ گراف خسارات واضرار ناشی از این جنگ نامعلوم صعود بیشتری خواهد کرد .

حسب توافق بین طالبان و ایالات متحدہ ؛ سر بازان آمریکا بی باید در تاریخ اول ماہ «مه» افغانستان را ترک کنند. با اینحال ریس جمهور «جوبایدن» در کنفرانس مطبوعاتی خود اساساً اعتراف کرد کہ نیروهای آمریکا بی در زمان ویا مهلت از قبل تعیین (اول ماہ مه) شدہ افغانستان را ترک نخواهند کرد و وی ابراز امیدواری کرد کہ سر بازان آمریکا بی سال دیگر در افغانستان حضور نخواهند داشت .

حتی اگر اعتماد بین واشنگتن و طالبان وجود داشته باشد احتمالاً این احساس اعتماد چندان کافی نیست. ارتش آمریکا نزدیک بہ دو دہہ برای خاتمہ دادن بہ تلاش های شورشیان برای دستیابی بہ قدرت مدت زمانی را سپری کردہ است - ریسان جمهور آمریکا ہریک «بارک اوباما» و «دونالد ترامپ» ہردو تعداد پرسونل آمریکایی را در افغانستان قبل از کاهش آنها افزایش دادند . علاوہ بر این «بایدن» با وجود پیوستن بہ سلف خود یادر توافق با «دونالد ترامپ» در انتقاد از جنگ های «بی پایان» ہرگز متعهد بہ اجرای توافق صلح نبود آنچه کہ ہویدا است این است کہ ریس جمهور «دونالد ترامپ» تحت فشار قابل توجہی از سوی پنتاگون ؛ رسانه های عمدہ عوضی و بیشتر توسط جنگ طلبان و مداخلہ گران ولابی های جنگ طلب ہردو حزب کہ تا کنون بر سیاست افغانستان تسلط ویا سرور کار داشته اند قرار گرفت ؛ نمونہ از همچو فشار های یکی ہم گروہ مطالعاتی افغانستان بود کہ توسط کنگرہ ایجاد شدہ بود کہ این گروہ مطالعاتی شامل شخصیت های سیاسی و نظامی سابق بودند یعنی آنها بی کہ از جنگ حمایت و سوء مدیریت کردند و بہ این نتیجہ تعجب اور رسیدند ویا چنین تصمیم گرفتند کہ نیروهای آمریکایی باید در افغانستان حضور داشته باشند بدون آنکہ آمریکا دو دہہ شکست خود را در این جنگ در نظر گیرد ویا کہ از شکست خود عبرت گیرد یعنی کہ این شکست برای آمریکا چندان اهمیتی نداشتہ است حتی تا جایی کہ ایالات متحدہ در این جنگ بیش از (یکصد ہزار) سرباز خود را در این جنگ بسیج کرد و درکنار آن در حدود «40000» نفر از نیروهای متحد اروپایی دیگر اضافی را بخاطر جنگیدن بہ افغانستان اعزام کرد یعنی غلطی و اشتباہ محض و خارج از عہدہ اعضای جنگ طلب .

بہترین پیشنهادی کہ جوزف اف دانفورد جونیور (Joseph F Dunford Jr) ریس سابق ستاد مشترک (ریس ارکان ارتش) ارتش آمریکا و یکی از بسیار با تجربہ ترین از معماران وضعیت دشواریا در ہم و بر ہم میتواند ارایہ دہد این است : اگر ما از فرصتی کہ در حال حاضر در اختیار خود داریم از آن استفادہ کنیم میتوانیم گفت کہ ہمین اکنون حد اقل چشم انداز دستیابی بہ آن حالت نہایی برای دولت {نتیجہ دوستانہ برای ایالات متحدہ} داریم یا کہ کم از کم چشم انداز بہ دستیابی داریم حتی اگر تشخیص دہیم کہ وضع نیز دشوار است و این تصور میشود کہ یک دلیل جدی برای نقض برنامہ عقب نشینی بہ خطر انداختن نیروها در درگیری برای ماہها و سالها و نیز نیازی بہ تقویت نیروها خواهد بود کہ در آنصورت واقعاً کہ جنگ افغانستان یک جنگ بی پایان است مطمئناً کہ اگر «جوبایدن» این بار دست های اش با ہم بیچاند ویا وضع را دست کم گیرد پس ہر زمانی کہ احتمال عقب نشینی نیروهای آمریکایی از افغانستان پیش بیاید شاید کہ ادعا های مشابہہ در بارہ مطرح شود ویا کہ در واقع اگر مذاکرات بین دولت کابل و طالبان بہ بدی پیش رود یا کہ نتیجہ مطلوب ندهد در آنصورت «بایدن» برای انجام اقدامات نظامی بیشتر بخاطر تقویت نیروهای افغان تحت فشار قرار خواهد گرفت ؛ دولت اشرف «غنی» انگیزہ ای برای جلوگیری از پیشرفت خروج نیروهای آمریکایی و توجیہ برای حضور مستمر و حتی گسترش یافته نیروهای آمریکایی دارد و از سوی ہم کشور های منطقہ نیز برای تاخیر عقب نشینی نیروها بیشتر فشار می اورند و ترجیح میدہند کہ ایالات متحدہ بار مسولیت مقابله با درگیری را از آنها بگیرد . بیشتر کسانی کہ از نقش ابدی آمریکا در افغانستان طرفداری ویا دفاع میکنند آیا تصور

میکند که این صلح نسبی ادامه خواهد داشت و آن اینکه خوشبختانه در طی سال گذشته هیچ یک از آمریکایی در افغانستان زندگی خود را از دست نداد و یا که کشته نشد اما اینکه چرا هیچ آمریکایی جان خود را از دست نداد تعهد طالبان و قول و قرار آنها به مندرجات توافقنامه صلح با آمریکا و ترک نیروهای ایالات متحده از افغانستان در مهلت تعیین شده بود؛ پس اگر پنتاگون چندین هزار از نیروهای آمریکایی را در ایستگاه‌ها و یا پایگاه‌های نظامی خود واقع در افغانستان نگهدارد طوریکه همین اکنون به تعداد (3500) سرباز آمریکایی در پایگاه‌های شان مستقر هستند؛ لذا شورشیان دلیل کمتری برای پایبندی به معامله خواهند داشت اگر نیروهای آمریکایی در مهلت تعیین شده ای خارج نشوند چنانچه که طالبان در این مورد با صدور بیانیه ای به جانب آمریکا هشدار داد که آنها در صورت عدم خروج نیروهای خارجی از افغانستان مجبور خواهند شد که بخاطر دفاع از دین و میهن خود به جهاد و مبارزه مسلحانه علیه نیروهای خارجی برای آزادی کشور خود ادامه دهند.

البته که این میتواند تهدیدی میان تھی باشد؛ یعنی سعی و تلاشی بخاطر در تحت فشار قرار دادن دولت برای پایبندی بودن به برنامه خروج نیروها؛ بهر صورت جنبش اسلامگرایی از دهه‌ها است که جنگ را آغاز کرده است یعنی قبل از ورود آمریکا به این سرزمین، پس عدم پذیرش آمریکا مبنی بر خروج سریع نیروهای آمریکایی از افغانستان در مهلت از قبل تعیین شده «اول ماه مه»؛ بعید به نظر میرسد که طالبان از خود واکنش نشان ندهند و یا اگر آمریکا به تعهدش مبنی بر خروج نیروهای اش از افغانستان اقدام نماید طالبان هرگز در جلو خروج نیروها موانعی را بوجود نخواهند آورد؛ طوریکه همه شاهد آن هستیم که ایالات متحده طی دو دهه گذشته بارها بارها در تعداد نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان کاهش بعمل آورده و «بایدن» چهارمین رئیس جمهور است که با افغانستان معامله میکند و ممکن است ابتدا با تلاش برای افزایش نیرو از اسلاف خود تقلید کند.

در واقع، سرهنگ بازنشسته ارتش **کریس کولندا**، که در مذاکرات قبلی با طالبان شرکت داشت، هشدار داد که چه چیزی ممکن است موجب کنار گذاشتن این توافقنامه باشد:

طالبان قبلاً از نظر نظامی برای این سناریو آماده شده‌اند. ما طی (14) ماه گذشته احساس اطمینان کاذب داشته‌ایم که در آن طالبان به هیچ پایگاه یا تأسیسات ایالات متحده حمله نکرده‌اند. اگر توافق نامه راپاره کنیم، می‌توانیم منتظر یک حمله تهاجمی به سبک ویتنام توسط طالبان در تابستان (2021) باشیم. برخی از این حملات مهم بسیار موفقیت آمیزتر از حمله **تت (درویتنام)** خواهد بود.

البته هیچ یک از اینها قطعی نیست، اما «بایدن» آن وقت چه کاری انجام می‌داد؟ سریعاً برداشتن تنها پاسخ مناسب، پایان دادن به درگیری آمریکا در جنگ داخلی بی پایان افغانستان است. با این حال فشار جبران کننده سنگین خواهد بود. خشم عمومی انتقام جویی را تشویق می‌کند. کل نهاد حامی جنگ سیاست دولت را ناکام اعلام می‌کند و خواستار اعزام نیروهای سنگین می‌شود که احتمالاً موقتی نیست.

همچنین ممکن است در مورد تهدید عقب نشینی برای اعتبار جهانی آمریکا یک فریب صعودی وجود داشته باشد. از هر مداخله ای، هر چقدر احمقانه و ضد مثر، همیشه به عنوان ضروری دفاع می‌شود تا دنیا متقاعد شود که واشنگتن مایل است حتی اقدامات احمقانه و ضد تولید بیشتری را در آینده انجام دهد. به «بایدن» گفته می‌شود که اگر طالبان را به دلیل حمله به نیروهای آمریکایی مجازات نکرد که دولت وی را به دلیل نقض توافق نامه مجازات کرده است، کسی دیگر هرگز وعده‌های آمریکایی را باور نخواهد کرد. به او هشدار داده می‌شود که اعتبار آمریکا در معرض خطر است و این بی عملی یا عدم واکنش آمریکا باعث بهم ریختن تجاوزات چینی، ایرانی، کره شمالی و روسی در سراسر جهان برای «آزمایش ویا تست» عزم ویا تصمیم ایالات متحده می‌شود. به «بایدن» گفته می‌شود که سخت گیری برای امنیت و حتی بقای آمریکا ضروری است.

بهر صورت هیچ استدلال خوبی برای ماندن نیروهای ایالات متحده در افغانستان وجود ندارد ، افغانستان را همانطور که هست بدون حضور نیروهای آمریکایی اگر تصور کنید ؛ آیا کسی پیشنهاد میکند که واشنگتن در این کشور مداخله نظامی کند ؟ آیا کسی افغانستان را بعنوان سرزمین مجاز به حمله و اشغال کشوری که (40) سال از جنگ داخلی در آن میگذرد که شامل مجموعه متنوع (kaleidoscope) از تغییر مبارزان و جنگجویان است جدا میکند ؟ آیا کسی اصرار می ورزد که با توجه به چالش ها و یا مسابقات فراوان پیش روی آمریکا که این یکی از بالاترین اولویت های آن است چه چیزی به معنای حضور دائمی نظامی آمریکا در این کشور است ؟ حد اقل آیا کسی در بیمارستان سنت الیزابت (St- Elizabeths) در واشنگتن دی سی اقامت ندارد و یا که بستری نیست چنین کاری میکند .

آسیای میانه برای آمریکا مهم نیست بلکه از نظر جغرافیایی به اندازه هر مکان روی زمین از یک منافع ملی حیاتی دور است . این بدان معنا نیست که این منطقه برای چندین قدرت مهم و حتی بزرگ در نزدیکی - چین ، روسیه ، هند ، پاکستان و ایران مهم نیست . اما حضور آنها دلیل واضحی برای ماندن در خارج از ایالات متحده است . همه از حل درگیری افغانستان ، به ویژه پاکستان ، که بیشترین سود را در پایان جنگ خواهد برد ، بهره مند می شوند . و این دولت ها باید تلاش ها را برای ارتقا روند صلح به عهده بگیرند . واشنگتن به جای حفظ حضور دائمی نظامی در افغانستان ، باید بحث های منطقه ای را در مورد چگونگی همکاری این کشورها برای تأمین یک کشور با ثبات ، رفاه و صلح تشویق کند .

هنوز علاقه مندان به ملت سازی باقی مانده اند . به عنوان مثال ، رونالد ای. نویمان ، سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان ، سوال میکند : "در این زمان ، هنگامی که بسیاری از جوانان افغان در حال ساختن جامعه ای هستند که ما به آنها تبلیغ کردیم ، آیا مسئولیتی اخلاقی نداریم که آنچه را که به آنها کمک کرده ایم ، حفظ کنیم . ساختن ؟" استدلال مشابه رینا امیری و مارک کوسترا ، که به ترتیب در افغانستان در مواضع غیرنظامی و نظامی خدمت می کردند ، همین بود : " اگر طالبان از نظر نظامی پیروز شوند ، مطمئناً از دستاوردهای اساسی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی که به افغانها اجازه داده است جلوتر بروند ، باز خواهد شد . 20 سال گذشته "

جنگ فاجعه است ، اما آمریکایی ها موظف نیستند که بجنگند و بمیرند ، و به ویژه این کار را ظاهراً برای همیشه ، برای تحول ملت های دیگر . و مطمئناً دلیلی وجود ندارد که افغانستان مسئولیت اصلی واشنگتن در جهانی آشفته باشد . لیست کشورهایی در آفریقا ، آسیا ، آمریکای لاتین و خاورمیانه که ایالات متحده می تواند مأموریت های مشابهی را در آنها راه اندازی کند و احتمالاً شانس بیشتری برای موفقیت بلند مدت دارد ، طولانی است . جنگ باید آخرین چاره برای محافظت از آمریکایی ها باشد نه اولین راه حل برای اصلاح سیستم های دیگر . به ویژه هنگامی که تقریباً دو دهه از درگیری ایالات متحده صلح مطلوبی به دست نیاورده است .

این مسئله در هنگام بررسی وضعیت زنان کمتر و یا پیش پای افتاده نیست . در دو سفرم به افغانستان با بسیاری از افراد ملاقات کردم که به دلیل حضور آمریکا زندگی بهتری داشتند و به طور قابل قبولی از آینده خود در کشوری تحت سلطه طالبان ترس داشتند . یا این حال ، طبق گفته های « پایدن » ، معاون رئیس جمهور وقت ، در پاسخ به این استدلال که ایالات متحده باید در افغانستان بماند تا جامعه افغانستان را دوباره بسازد : فقط کار نمی کند ، این چیزی نیست که آنها به این منظور در آنجا هستند . اینطور نیست اگر جایگاه زنان برای آمریکا یک جنگ جدی محسوب می شد ، عربستان سعودی و ایران مدتها قبل باید در بالای لیست محبوب پنتاگون قرار میداشت یعنی که برای زنان ایران و عربستان سعودی زمینه تنفس کردن را مساعد می ساخت و از قید اسارت و تنگ نظری مذهبی آنها را آزاد می نمود .

جذابیت عاطفی دیگر آنچه اقتصاد دانان آنرا مغالطه (سفسطه) هزینه غرق شده (به هدر رفته) می نامند است. در جلسه اخیر، رئیس ستاد مشترک ارتش، ظاهراً "تمام خون و گنجینه ای (خونریزی و صرف مبالغ هنگفت) را که در آنجا خرج شده" ذکر کرد و اظهار داشت که "احترام به فداکاری های انجام شده" مهم است. افسوس که فداکاری بیشتر خون و گنج در آینده، فدیة همه فداکاری های گذشته را نخواهد داد. به غیر از اقدامات اولیه برای خرابکاری القاعده و بیرون راندن طالبان، جنگ یک اشتباه وحشتناک بوده است و هزینه های یا مصارف آن بیش از هر گونه منفعت بوده است. کسانی که مردند این کار را بیهوده انجام داده اند. این تقصیر آنها نیست، بلکه سیاستگذاران ایالات متحده هستند که با پد پاسخگو باشند. در واقع، نظرسنجی ها نشان می دهد که جا نبا زان افغان در حمایت از عقب نشینی با نزدیک به سه چهارم موافق هستند بهترین راه برای احترام گذاری به مردگان متوقف ساختن اعزام آمریکایی ها به مضرات کمتر از دلایل قانع کننده است.

شاید از همه بدتر اما دلیل عام و موجه این باشد که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان خلای بوجود خواهد آورد که این خلا توسط تروریست ها پر خواهد شد؛ موردی که حتی «دونالد ترامپ» نیز این مورد را پذیرفت و به آن اعتراف کرد و از قولی که به ارتباط خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در کمپین انتخابات خود متعهد شده بود سر باز زد چونکه دستیارانش وی را متقاعد ساختند که اگر ما به آنجا نرویم یا که اگر ما از افغانستان بیرون آیم آنها یعنی تروریست ها میخوانند در اینجا بجنگند و آن بدین معنی که ما لشکر گاه؛ کندز یا کندهار را در افغانستان اشغال نکنیم ایتلافی از طالبان با القاعده و هزاران شرور دیگر برای کنترل ویا در تحت تصرف آوردن اوماها (Omaha) دالاس ویا بویز (Boise) مبارزه میکنند ادعای که از هر جهت غیر عادی و میان تهی است.

طالبان یک گروه شورشی اند نه یک سازمان تروریستی و متمرکز و حاکم بر افغانستان. در غیر اینصورت جنگجویان این گروه شورشی هیچ علاقه ای به ایالات متحده نداشته و نداشتند، آنها از اسامه بن لادن و القاعده برای جنگ با شوروی در افغانستان استقبال کردند. آنطوریکه مشابهاً ایالات متحده خود از چهار دهه قبل به این سو گروه های بنیادگرای اسلامی را در افغانستان مسلح و تامین مالی کرد و از جانبی چنین پنداشته میشود یا که به نظر میرسد که طالبان ناخشنود بودند وقتی مهمانان شان بطور غیر منتظره خشم آمریکارا بر آنها فرو بستند. اگرچه جنگجویان طالبان در کنار القاعده باقی مانده که تاکنون جنگیده اند؛ بیشتر مبارزان ما نند متفقین در جنگ دوم جهانی که از هر کجا میتوانستند کمک گیرند؛ پس بعید به نظر میرسد که دولت طالبان حملات تروریستی در آینده را که از باعث برگشت نظامی میشود بپذیرند یا تحمل کنند و نه هم همسایگان افغانستان تحمل رنج و عذاب را خواهند داشت.

بهر حال وقتی صحبت از تروریزم میشود، جغرافیای سرنوشت ندارد - توطیه «11» ماه سپتامبر سال «2001» تقریباً بطور کامل در خارج از افغانستان تدوین و سازماندهی شد. پس از حمله و تجاوز آمریکا به افغانستان اسامه بن لادن به بسیاری سادگی در همسایگی افغانستان یعنی به پاکستان یک متحد نامی ایالات متحده نقل مکان کرد و از سوی هم نباید فراموش کرد که در سالهای بعدی موثرترین عملیات های القاعده در یمن صورت گرفت جایی که ایالات متحده به روش کنایه آمیز ویا عجیب و غریب مدت شش سال مبالغ زیادی را بقسم کمک صرف کرد از جمله به دولت «عبدربه منصور هادی» که این دولت را به رسمیت شناخت دولتی را که به القاعده در شبه جزیره عربستان یارانه داده و نیروهای افراطی را مسلح کرد. حالانکه در تمام جهان اوضاع ناخوشایند حکمفرما است نهادهای غیر دولتی زیادی اند که در آن تروریست ها میتوانند برای فعالیت های تخریبی خود لانه و آشپزخانه کنند.

از نظر طالبان هر اتفاقی که بیفتد ، ایالات متحده همچنان قادر به انجام عملیات ضد تروریسم در افغانستان خواهد بود به همان اندازه ، که خروج نیروهای بیرونی از افغانستان گام مهمی در جهت کاهش مشخصات نظامی واشنگتن در جهان عرب و مسلمان خواهد بود . بر طول دو دهه گذشته آمریکا سریعتر از کشتن دشمنان ، دشمنانی را به وجود آورده است . که این خود یک استراتژی طولانی مدت از دست رفته است .

در نهایت ، جنگ در افغانستان امنیت آمریکا و آمریکایی ها را کمتر می کند . یعنی امنیت و مصونیت آمریکا را در خطر می اندازد درگیری فاجعه است ، اما موردی که ایالات متحده بتواند حل کند . علی رغم تمایل قابل درک برای انجام کار خوب ، آمریکایی ها موظف نیستند برای از نو ساختن جوامع دیگر برای همیشه جنگ کنند . ثروت و زندگی ما نباید بدست واشنگتن باشد تا فدای چیزی غیر از دفاع از سرزمین خودمان شود .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

دوگ باند و یکی از اعضای ارشد موسسه کاتو است . وی که سابقاً دستیار ویژه رئیس جمهور رونالد ریگان است ، نویسنده کتاب "Follies Foreign: America's New Global Empire" است

----- **با تقدیم سلامها «2021-04-10»**